

ایسکرا می پرسد

صفحه ۲

حزب دمکرات

زیر درفش نوری زاده

صفحه ۳

به یاد شوراها

مارس ۹۱

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۸۱ ۶۹۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

ایسکرا

سرپریر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱

فکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گيرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رپرتاژی از مراسم نوروز در شهرهای کردستان

از ساعت ۲ بعد از ظهر یگانهای ویژه در سطح شهر و محلات برای مقابله با مراسمها و تجمعات مردم مستقر بودند. مردم وقعی نگذاشتند و این ترفندها موثر نیفتاد. در خیابان شاهپور صدها نفر از مردم با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی شروع به راهپیمایی کردند.

در حرکتی دیگر بعد از ظهر همین روز هزاران نفر از مردم شهر سنندج و خانواده جانبختگان بر مزار عزیزان جانباخته جمع شدند و یادشان را گرامی داشتند. صدها نفر از نیروهای انتظامی رژیم تجمعی مردم را در محاصر داشتند. تجمعیهای بزرگ در میدان اقبال، میدان آزادی، خیابان فردوسی،

صفحه ۲

رادیو انترناسیونال

(بخش کردی)

روزهای پنجشنبه هر هفته

از ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم

بعد از ظهر به وقت تهران

موج کوتاه ردیف ۳۱ متر

برابر با ۹۴۵۰ کیلوهرتز.

عمیق امید و باور توده مردم به سرنوشتی جمهوری اسلامی و پایان دادن به عمر آنتس.

در بطن مبارزه این چند ساله، در صفحه ۳

راه این تعرض را هموار کرد. خاتمی بخاطر "مصالح نظام"، حساب خود را حتی از بدنه جریانات دو خردادی حکومتی جدا کرد.

خاتمی علیرغم اینکه ممکن است در بین کودنترین طرفداران خود هنوز چهره مظلومی باشد که رعایت "مصالح ملی" این اجازه را به او نداد که "درد دلها" خود را بگوید، اما بطور واقعی در کنار رهبر قرار گرفت و نخواست به میراث "امام" و بنیانهای رژیم اسلامی کوچکترین خللی وارد کند.

خاتمی، در سخنرانی مجلس همان چهره خامنه‌ای اما در مقام ریاست جمهوری از آب درآمد، گرچه سعی کرد با انتقاداتی در لفافه ایما و

صفحه ۴

کردند. فشرده ای از منتخب اخبار این مراسم را میخوانید:

سنندج

یک روز مانده به آغاز سال نو مردم سنندج وسیعاً در محلات، کوچه و خیابان تجمع کرده و با پخش موزیک زنده همراه با روشن کردن آتش و در کردن ترقه، با رقص و پایکوبی به استقبال نوروز رفتند.

با وجود اینکه نیروهای رژیم از قبل کاملاً در حالت آماده باش و

افکار ارتجاعی کند و حتی آگاهانه در برابر تسلط گرایشات ناسیونالیستی بی تفاوت میماند و در مواردی مانند مراسم سال گذشته در مریوان، خود در تدارک مراسم دولتی و باد زدن به سنتهای کهنه پرستانه کرداییتهی دخالت داشت، امسال مردم ابتکار عمل را بدست گرفتند و از هرگونه دخالت نیروهای رژیم و یا تلاش آنها برای چسپاندن هویت قومی و ملی به مراسم نوروز جلوگیری

پیام رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب به مناسبت نوروز

اعتراف میکنند. ۲۲ سال حاکمیت سپاه اسلامی این نوع زندگی و استبداد سیاسی، خفقان و بیش از ۱۰۰ هزار اعدام و زنجیر قتل همه روزه و زندان و شکنجه و سنگسار و حجاب و قصاص و قدغه نمودن شادی و خوشی و جشن و موسیقی و خنده را بر همه ما تحمیل کرده است. طبعاً در مقابل این تعرض به حقوق و زندگیمان، از همان روز اول مبارزه حق طلبانه علیه جمهوری اسلامی وجود داشته است. حاصل مبارزه این چند ساله است که عمر جمهوری اسلامی را به نقطه پایانی نزدیک نموده و واضح است به آن پایان داده میشود. بنابر این معرفه یکسال گذشته استبداد و فشار رژیم نیست بلکه معرفه آن احمیای



مردم آزادیخواه در کردستان! عزیزان

فرا رسیدن سال نو و جشن نوروز را از صمیم قلب تبریک میگویم. نوروز، روز اول سال نو، روز جشن و شادبست. امیدوارم در سرآغاز سال جدید، شادی و خوشی مهمان هر خانه و همه محافل و مجامعتان باشد. من و بسیاری از رفقایم در حزب کمونیست کارگری ایران بسیار علاقه داشتیم که در جشن و نوروز امسال در کنارتان میبودیم. اکنون هم ما را مهمان سفره نوروزی خودتان بدانید.

سال ۱۳۷۹ را پشت سر گذاشتیم. نیازی به گفتن نیست در سالی که گذشت، ادامه حاکمیت دولت سرمایه داری و حکومت سپاه جمهوری

در حاشیه نطق خاتمی در مجلس

بیت امام را به خود جلب کند. اما سخنرانی جناب خاتمی، در واقع یک نمایش برائت از "براندازان" بطور کلی و براندازان ۲ خردادی بطور مشخص بود. او بدین ترتیب جمع وسیعی از روزنامهنگاران، طیفی از جریان ملی- مذهبی و کمترین انتقاد از تحرکات و تعرضات راست را با کلماتی رهبر پسند و به شیوه خاص شارلاتانیسم اسلامی، همزاد براندازی نامید و از این نظر نطق او یک اعلام وفاداری صریح به راست و شخص خامنه‌ای بود. بی جهت نبود که چند روز پس از این نمایش برائت از "براندازان" جناب خاتمی در "خانه ملت"، راست تعرضش را

قاطعانه‌تر علیه طیف روزنامه‌چی‌ها و اپوزیسیون قانونی حکومتی ادامه داد، خامنه‌ای همسو با سخنان او به تهدید پرداخت. خاتمی بیش از پیش رئیس جمهور عزیز" حسن شریعتمداری و کیهانی ها شد، چندین نفر را دستگیر و چند روزنامه را بستند و اعلام کردند که نه تنها نهضت آزادی بلکه طیف موسوم به ملی- مذهبیون، به جریان "برانداز" تعلق دارند و از این رو فعالیت آنها ممنوع اعلام شد.

به نظر میرسد، در جدال جناحها، جریان راست این دور از رقابتها را برده باشد، اما راس جریان دوم خرداد- جناب خاتمی- در واقع مهره و بازیکن تیم رقیب بود که



ایرج فرزاد

نطق خاتمی در مجلس که خیلی از واله‌های دو خردادی درون و بیرون حکومتی، انتظار یک نطق آتشین را از آن داشتند، آب سردی بر سر و روی این خیل ریخت. در این میان شاید تنها راه توده بود که در این نطق خاتمی خیلی "چیزها" دید. خاتمی در میان اپوزیسیون دو خرداد تنها موفق شد، نظر راه توده نزدیک به محافل

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا می‌پرست؟



فهیمه قطبی

ایسکرا: این روزها مصادف با روزهای معروف به نوروز سال ۵۸ سنندج است، به نظر شما مهمترین وجه مشخصه این روز چیست؟

فهیمه قطبی:

اگر بخواهم بطور فشرده بگویم، حضور گسترده و پر شور مردم و نمایش جلوه‌های عظیم قدرت مردم در این روزها بود که قدرت مردم با هدایت و رهبری چپ هائی که خود را کمونیست دانسته و عمدتاً در کومهله متشکل بودیم چنان کاری کرد که تقریباً تمام اعضای شورای انقلاب جمهوری اسلامی را که به سنندج کشانید و آنها را وادار کرد که به اراده مردم تسلیم شوند. اتفاقات خیلی بزرگی در آن روزها اتفاق افتاد که من به چند مورد آنها اشاره میکنم:

بعد از درگیری مردم با لشکر ۲۸ سنندج و کشتار مردم توسط آن که هنوز تماماً شاهنشاهی مانده بود و به سران رژیم اسلامی اعلام وفاداری کرده بود، بلافاصله موج عظیمی از کمکهای مردم از سراسر کردستان، از شهر و ده و حتی برخی شهرهای ایران همراه با موج عظیمی از مردم که به حمایت از مردم سنندج آمده بودند، راه افتاد. صحنه‌های پرشکوه این همبستگی و شوق انقلابی واقعاً فراموش نشدنی یادم هست همین بنی صدر که

آنوقت عضو شورای انقلاب بود، خواست در میدان اقبال سخنرانی کند که مردم با فریاد مرگ بر بنی صدر اجازه ندادند حتی یک کلمه در دفاع از ارتجاع تازه به قدرت خیزد چیزی بگوید.

مورد دیگر انتخابات شورای شهر بود که جو حاکم بر شهر، هیات جمهوری اسلامی را به تمکین به آن واداشت و از جمله طالقانی خود راساً به برگزاری این انتخابات گردن گذاشت. علیرغم همه کارشکنی‌های دارودسته مرتجع مکتب قرآن مفتی‌زاده، مردم به اکثر کاندیدهای چپ و کمونیست رای دادند. از جمله رفیق جانباخته صدیق کمانگر با رای بالائی انتخاب شد. همچنین یوسف اردلان هم که آن زمان با کومهله رادیکال و چپ بود انتخاب گردید.

ایسکرا: آیا حزب دمکرات در این ماجرا نقشی داشت؟

فهیمه قطبی:

آری نقش داشت اما منفی و مخرب و توطئه گرانه. ببینید وقتی که جریان خیزش مردم سنندج

چنان اعلامیه‌ای حتی در سطح شهر مهاباد هم پخش نشده بود! آن روزها برای من بسفای خاطره انگیزانند، بسیاری از رفقای فعال آن دوره اکنون در میان ما نیستند. یاد عزیز آنها گرامی باد.

این حرکت پرشور مردم سنندج در فضائی بدور از هرگونه شائبه ناسیونالیستی و تنگ نظرانه شکل گرفت، ادامه حرکت انقلابی مردم ایران بود و صحنه‌های پرشوری از تداوم انقلاب ۵۷ بود. تعداد بسیار زیادی از فعالین چپ، کمونیست، انسانهای رادیکال در حرکت مردم سنندج شرکت داشتند، شهر سنندج واقعاً به صورت یک شهر توریستهای سیاسی درآمده بود. این حرکت بزرگ وجود دیگری دارد که امیدوارم با کمک دیگر رفقای کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در جهت مکتوب کردن و مستند کردن آنها تکمیل کنیم.



رپرتاژ ۰۰۰

جمع شده بودند در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه شب نیروهای انتظامی با مردم درگیر شدند. مردم با صدای بلند شعار میدادند "نوپ نانک فشفشه، آخوند باید گم بشه". عناصری از جریان ارتجاعی پ.ک.ک که در حمایت جمهوری اسلامی در سنندج حضور داشته و فعالیت میکنند، با ماشین در سطح شهر سنندج اطلاعاتی به امضای "حزب به‌کمیتی کردستان" (حزب اتحاد کردستان) پخش کردند. در این اطلاعاتیها مردم را دعوت به جمع شدن و جشن گرفتن در یکی از میادین شهر نمودند. مردم شهر سنندج که به همکاری این جماعت با رژیم ایران و مقابله و دشمنی تاکتونی آنان با اعتراضات رادیکال و انسانی خود آگاهند، به فراخوان آنان وقعی ننهادند و کسی در محل مورد نظرشان جمع نشده است.

مربوان:

مراسم امسال نوروز در مربوان جلوه ویژه‌ای داشت. سال گذشته رژیم با کمک شورای اسلامی شهر و فرماندار و جریان‌های ناسیونالیست و توده‌ای و اکثریتی، بر نوروز یک فضای سیاسی ارتجاعی حاکم کردند و آترا به ماده‌ها و آئین‌نیاکان چند هزار سال پیش وصل کردند.

چند روز قبل از نوروز امسال، صالح سرداری و مجید حسینی جزوئی را در نقد همه جانبه سیاست ارتجاعی رژیم و عوامل هم خط آن تهیه کردند و به دست مردم مربوان رساندند. این جزوات در میان مردم شهر مربوان پخش شد. از طرف دیگر مردم نیز خود را برای برگزاری

مراسم شاد روزهای نوروز بدور از هر نوع دخالت دولت و وصل کردن آن به ارتجاع و کهنه پرستی کردایی-اسلامی، آماده کرده بودند. یک روز قبل از نوروز مردم در چهارراه بایوه و چهار راه اصلی ترقه بازی و فشفشه هوا کردن را آغاز کردند. روز بعد از ساعت ۲ بعدازظهر بیش از ۱۵ هزار نفر از مردم مربوان در حرکتی خودجوش به میدان نوروز رفتند و بدور از دخالت نیروهای رژیم به رقص و پایکوبی پرداختند، نیروهای رژیم سعی کردند که مانع مردم شوند که از هر طرف، از کوچه و پشت بام منازل، در نقاط چهر راه شیرنگ، چهار راه اصلی، و چهر راه بایوه و خیابان وصال، سنگ باران میشوند که تعداد زیادی از مزدوران زخمی میشوند. این جنگ و گریز همراه با فشفشه بازی و صداهای انفجار ترقه‌های قوی، تا ساعت یک شب ادامه مییابد. مردم شعار میدهند نه روسی نه تو سری، مرگ بر سران جمهوری اسلامی و زنده باد حزب کمونیست کارگری. قابل توجه است که روز قبل از نوروز شورای اسلامی شهر مربوان به فرماندار توصیه میکنند امسال مراسم رسمی برگزار نکنند.

در جریان مراسم و در تقابل با دخالت نیروهای رژیم، حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر از جوانان شهر با ماسک در خیابان وصال حضور داشتند و به وسایل نقلیه دولتی و نیروهای انتظامی حمله میکنند و مانع تردد آنها شدند.

بوکان: مرکز تجمع ۵ هزار نفره فلکه فرمانداری بود این تجمع در

در ضمن در روستاهای اطرف شهر از جمله، "تویه‌دوز"، "شیروانه"، "بیار" و دیگر روستاها مردم به شادی و رقص مشغول بودند.

سقز

یک روز قبل از نوروز شهر سقز حالت حکومت نظامی داشت و نیروهای زیادی از مزدوران رژیم در سطح شهر و خیابانهای اصلی و خصوصاً میدان "هملو" مستقر شدند. مردم هم وسیعاً در خیابانها بودند منتظر شروع حرکتی بودند. تعدادی از جوانان با اتومبیل‌هایشان در حال گشت در خیابانها بودند و موزیک شاد را با صدای بلند پخش میکردند.

مهاباد: روز ۳۰ اسفند صدها نفر از جوانان و مردم در جلو شهرداری به شادی و رقص و پایکوبی پرداختند. از ساعت ۶ به بعد هزاران نفر در این محوطه تجمع میکنند، گروه‌های موسیقی زنده در محل آماده میشود و شادی و رقص و پایکوبی ادامه می‌یابد. فاصله میدان شهرداری تا چهار راه آزادی به محل مراسم مردم تبدیل شده و تردد وسایل نقلیه قطع میگردد. نیروهای انتظامی در حال آماده باش بودند اما جرات درگیر شدن با مردم را نداشتند.

قبل از شروع سال نو جمعیت ۵۰۰ نفره‌ای از جوانان شهر مهاباد به مناسبت سال نو تجمع میکنند و با استفاده از وسایل و آلات موزیک که بر ماشین سوار بود، رقص و شادی و پایکوبی را آغاز میکنند. جوانان این مراسم خود را در اعتراض به ترفندهای عوام‌فریبانه

درفش نوری زاده بر دوش حزب دمکرات کردستان ایران

عبدالله شریفی

بنا به گزارش نشریه کردستان ۳۰۳ ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، چند هفته قبل نشست چند ساعته در لندن با شرکت "سازمان لیبراسیون" تحت عنوان "ایران و آینده کردها در آن" بر گزار گردید.

بدیهی است که برگزاری این نوع جلسات امری عادی و روزمره است، آنچه در این میان قابل بحث است، پیام علیرضا نوریزاده به این جلسه و در واقع به حزب دمکرات است.

در بخشی از این گفتار آمده است: "بیست و دو سال پیش زمانی که رژیم جمهوری اسلامی با شعار آزادی و عدالت و حاکمیت ملی روی کار آمد ... با جایگزین کردن عبارت خدای جبار و قهار به جای خداوند بخشنده مهربان، که ما سالها با نام و حضورش در دلهایمان خو گرفته بودیم، هیچ نوع امیدی به تحول مسالمت آمیز اوضاع در ایران وجود ندارد...." آقای نوریزاده دبیر سیاسی روزنامه اطلاعات، در دو نظام شاهنشاهی و اسلامی چه در مقام مدافع دو آتش خاتمی، و چه حالا بعنوان "اصلاح طلب" شرمگین ایرانی- اسلامی، هیچگاه نه تنها نخواست استقامت در مورد مطالبات رادیکال مردم لب باز کند، بلکه برعکس همیشه خصمانه علیه مبارزات رادیکال مردم، قلم زده است، قطعا هر کسی که این گفتار "بلیغ" ایشان را بخواند از او و حزب دمکرات خواهد پرسید، اگر ریگی به گشش ندارید، کی و کجا "نظام اسلامی برای تحقق آزادی و عدالت سر کار آمد؟! همه میدانند که برعکس، این نظام سیاه را به صحنه سیاسی آوردند و بقدرت رساندند تا آزادخواهی و عدالت طلبی را سرکوب کند. اکنون شما بعد از دو دهه کشتار، زندان، سنگسار، خفقان، فقر و فلاکت تازه دلخوید که عبارت خدای قهار جای خدای مهربان را گرفته و از اینجا به کشف "محیرالعقول" تان میرسید و از "تحول مسالمت آمیز" نا امید میشوید، آفرین بر این همه شعور و ذکاوت!! باین

پیام ۰۰۰

شهرها و زندانها، در میدان جنگ انقلابی علیه رژیم اسلامی، هزاران انسان کمونیست و آزاده و بسیاری از رفقای عزیزمان جان باختند. در همین آغاز سال نو و در جشن نوروز یاد عزیزشان را گرامی میدارم

ترتیب آقای نوریزاده خواسته است در یک چشم بندی تعلق خود را به میراث ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی زیر سایه "ایزد منان" بیان کند.

و گفتار و "عبارات قصار" را پی میگیریم:

"... ایرانیانی که قرنهای پاسداری و حراست از مرزهای سرزمین مرا عهده دار بوده اند. مقصودم بجز کردها، تالش ها، ساکنان شرق خراسان و بلوچها، و دیگر اقوام سنی مذهبی است که در جنوب کشور و جزایر ایران در خلیج فارس زندگی میکنند و طی قرنهای وفاداری خود به میثاق نانوشته وحدت بین ساکنان ایران را ثابت کرده اند و در مراحل از تاریخ ایران به مراتب بیشتر از من فارس شیعه برای صیانت و پاسداری از آب و خاک خود، همت و مردانگی نشان داده اند ۱۰۰۰ اما در مورد کردها و دیگر سنی مذهب ایران، هیات حاکمه کینه ای مضاعف را در عملکرد خود آشکار ساخته است ۰۰۰ در وطن من نیز کسانی به حکومت رسیده بودند که می خواستند امپراتوری شیعه ای بدون مزاحمان سنی مذهب برپا کنند ۰۰۰ حزب دمکرات پیشوای مردم کردستان، برخلاف بسیاری از گروههای مخالف، مردم را به گفتن این "نه" تشویق کرد و به جای تحریم انتخابات، خواستار مشارکت مشروط شد ۰۰۰"

سراسر این گفتار "بلیغ" مملو از عبارات آریامهری-اسلامی "پاسداران مرزو بوم"، "سلحشوران غیور" و "برادران اهل تسنن" در مورد مردم کردستان میباشد. این طرز تفکر که کد آن، این نوع عناوین و القاب میباشد، یک بینش سیاسی شناخته شده را نمایندگی میکند. این نوع خرافه پرانی، علیرغم در بوق کردنش از جانب دوم خردایها و تایید و تصدیق احزاب ناسیونالیست، نتوانسته است در میان مردم توهمی ایجاد کند. این طرز تفکر ملی-اسلامی، با "سنی" خواندن مردم کردستان میخواهد صحنه سیاسی اجتماعی جامعه را بنا به تمایل خود آرایش دهد، آن را "بیخطر" کند، تابناوند با یک صورت حساب

و با خانواده و بستگان جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم عهدمان را به ادامه راهشان و تلاش برای تحقق اهداف سوسیالیستی را مجددا تاکید مینمایم.
مردم مبارز!
در آغاز اشاره کردم که سال گذشته،

ارزان روی آن معامله باز کند. مبارزات برحق و رادیکال مردم زحمتکش کردستان را مبارزه "سنی" ها علیه شیعه ها "نامیدن، جعل عامدانه مبارزه کارگران، زنان و جوانان کردستان و به همین اعتبار مبارزه مردم به ستوه آمده ایران، در مقابل نظام اسلامی است. اینها باید بدانند که واقعیات جاری یعنی به میدان آمدن وسیع جوانان، زنان، کارگران و مردم تشنه آزادی و برابری و نفوذ غیر قابل انکار کمونیسم کارگری میبرد که این رویای دست نیافتنی و صحنه آرائی ساختگی عاشقان "مرز پرگهر" را به کابوس تبدیل کند.

ملی-اسلامیون امروز دارند عین فرمولبندیهای شاه مرحومشان را نشخوار میکنند. "پاسداران مرزی غیور" را به کردها گفتن، شاید نیم قرن پیش کمتر مورد اعتراض قرار میگرفت، اما امروز دیگر نمیتوان بسادگی و باین اراجیف با یک شهروند در کردستان روبرو شد و مورد تنفر قرار نگرفت.

در ادامه میگوید ".... قتل شماری از روحانیون اهل سنت توسط عوامل وزارت اطلاعات و با دستور صریح بلند پایگان رژیم و وزارت اطلاعات، در دوران خاتمی و در همان بهار کوتاه آزادی مطبوعات از پرده بیرون افتاد ۰۰۰ کردهای آزاده ایران برای گفتن و نوشتن به زبان مادری و استفاده عادلانه از ثروت ملی، مبارزه می کنند ۰۰۰"

در سناریوی آقای نوریزاده که البته "روزنامه نگار شهیر" حزب دمکرات هم هست و با شغف و همدلی این سخنان "تغز" را برای خوانندگانش منتشر کرده است. باین ترتیب آقای نوریزاده و حزب دمکرات، هر دو، صحنه جدال اجتماعی برای تغییر زندگی را با تمام ابعاد و شکوهایش، به اختلاف منافع میان روحانیون اهل تسنن و وزارت اطلاعات تنزل میدهند و مطالبات و خواسته های بر حق مردم را در کردستان به سطح "گفتن و نوشتن به زبان مادری" تقلیل میدهند، این شیادی تمام و کمالی است، که شایسته آقای نوریزاده میباشد. البته باید به

سال احیای امید هر چه بیشتر توده مردم به سرنگونی جمهوری اسلامی، سال گسترش مبارزه توده ای و اعتصابات کارگری و بسیاری اعتراضات جمعی بوده که جلو چشم شما و در موارد زیادی با حضور خود شما به وقوع پیوسته و

عرض حزب دمکرات و آقای نوریزاده برسانم که ایشان در این شامورتی بازی و شیادی تنها نیستند، جنابان عبدالله مهتدی و بها ادب و جلالی پور با مصاحبه در رادیو فرانسه و میدیای ناسیونالیستهای عشیرت پرست کرد، نیز عینا همین فرمایشات را تکرار کرده اند. یک صف کامل از پرفسورهای "شهیر" و سنیهای "مرزدار و غیور" تشکیل شده است، این ارتجاع پرستی ارزانی شماها!

آقایان، کور خوانده اید! جامعه کردستان همانند جامعه ایران سیر تکاملی خود را بسرعت دارد طی میکند، جامعه ای است شهری، با مردمانی متمدن که با مبارزه هر روزه خود علیه جمهوری اسلامی در تلاشند که سطح زندگی خود را به سطح زندگی دنیای مدرن امروزی برسانند و بنای دنیایی بهتر و آزادتر را پی ریزند.

توقعات و تعاریف و آرزوهای حزب دمکرات و نوریزاده با توقعات و آرزوهای مردم کردستان فاصله ای بسیار زیادی دارد. در کردستان، امروز همراه با سایر مناطق ایران، گرایشات سیاسی طبقات مختلف اجتماعی در جدال بر سر نوع زندگی هستند، کارگران و زحمتکشان و جوانان و زنان کردستان که شما هم شاهد اعتراضات خیابانی آنها علیه جمهوری اسلامی هستید "سنیها" نیستند که علیه "شیعه ها" بی خواسته باشند، مردم ستمدیده ای است که میدانند باید مرفه و آزاد و برابر زندگی کند و علیه وحشی ترین نوع حکومت سرمایه داری میجنگند تا سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود را بدست خود گیرند. این جنبش سکولار، ضد مذهب و برابری طلب است و شما چشم دیدن آن را ندارید و شما را به وحشت انداخته است. کارگران و زنان و جوانان کردستان این عطش حزب دمکرات کردستان به عقب ماندگی و ارتجاع را که عاشقانه علم و کتل امثال نوریزاده را به دوش میکشند در کنار بقیه اعمال سیاسی این حزب بطور مثال همبستگی با بنی صدر و حزب توده و لیبیک به "امام خمینی" و... در پرونده این حزب ثبت خواهند کرد. پنجم مارس



آشکارا دیدیم که سال به عقب راندن جمهوری اسلامی و به میدان آمدن نیروی اعتراض رادیکال و کمونیستها و حضور برجسته حزب کمونیست کارگری پیشاپیش مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بود.



رپرتاژ ۰۰۰

شهردار مزدور شهر در جلو شهرداری برگزار میکنند. مردم و جوانان به نیروهای انتظامی رژیم اخطار میدهند که در مراسمها و تجمعات نوروز دخالت نکنند، در غیر اینصورت آنها را تنبیه میکنند. نیروهای رژیم نظاره گر اوضاع بودند. به دنبال این تجمع جوانان شهر سوار بر چند ماشین حامل وسایل موزیک در خیابانهای شهر حرکت میکنند و با پخش آهنگ و موزیک شاد، نوروز را جشن گرفتند. در کوچه و محلات مردم از خانههای خود بیرون آمده و رسیدن نوروز را جشن گرفتند.

نقده

در نقده هر سال مردم به مناسبت نوروز در دامنه کوه "سلطان" که نزدیک شهر است تجمع میکنند، مامورین انتظامی و امنیتی رژیم از دیروز در این منطقه مستقر شده اند تا مانع از حضور و شادی و جشن مردم شوند.

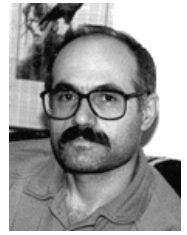
بانه: جدا از روشن کردن آتش و شادی و رقص و پایکوبی مردم در محلات شهر، تجمعات بزرگی از جوانان و مردم شهر در "قلکه ساعت"، "گهرکی خاور" و "قلکه شهرداری"، صورت گرفته است. در این تجمعات که هزاران نفر شرکت کردند مردم ضمن در کردن ترقه و فشفشه و روشن کردن آتش، به رقص و پایکوبی پرداختند. نیروهای ضد شورش به مردم حمله کرده که با عکس العمل جوانان و مردم روبرو میشوند و تعدادی از آنان کتک میخورند. در این ماجرا ۳ ماشین نیروهای انتظامی به آتش کشیده میشود و شیشههای یک بانک شکسته شد. درگیری در این سه نقطه تا بعد از ساعت ۸ شب ادامه داشت. تعدادی از جوانان و مردم توسط مزدوران رژیم دستگیر شدند. امروز اول فروردین شهر حالت حکومت نظامی دارد.

پاوه

روز سه شنبه حدود ۲۰۰۰ نفر در "سراوه هولی" جمع شده اند با روشن کردن آتش و رقص و پایکوبی دختران و پسران و موزیک و... مراسم داشته اند. نیروهای نظامی از دور آماده باش بوده اند و جرات نزدیک شدن را نداشته اند. این مراسم تا دیر وقت ادامه یافت.



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



مظفر محمدی

خیزش توده‌ای و شوراهای تاریخ کردستان عراق در ۱۹۹۱ اولین بار بود که اتفاق افتاد. در جنبش ناسیونالیستی کرد، جنبشهای اجتماعی مثل جنبش کارگری، زنان، جوانان و مردم زحمتکش هیچ جایگاه و معنی نداشته است. جنبشهای اجتماعی خارج از ناسیونالیستها هم هیچوقت برسمیت شناخته نشده اند.

جنبش ناسیونالیستی کرد با سنت مبارزه مسلحانه در کوهها و معامله و بندوبست شناخته میشود و این همه استراتژی و تاکتیک این جنبش و احزاب سیاسی آن است. جنگ احزاب ناسیونالیست با رژیم بعث برای رهایی مردم از استبداد و اختناق سیاسی و حتی ستم ملی نیست، بلکه برای سازش و شریک شدن در قدرت است حال باهر اسم و رسمی از قبیل خود مختاری، فدرالی و یا حتی کمتر از آن. شوراهای مارس نقطه امید در حیات سیاسی مردم در آن زمان بود که سرنگونی طلبی و مخالفت با هرگونه معامله و بندوبست رژیم بعث را نمایندگی میکرد. شوراهای سنت جدید این حرکت توده‌ای بود.

شوراهای کارگری نه اتحادیه میهنی بودند نه پارتی و نه اسلامی، کارگری بودند. شوراهای محلات، مردم بودند جدا از ملیت و نژاد و جنس و زبان. در شهر کرکوک شوراهای از مردم کرد و عرب زبان تشکیل شدند. کارگران در مجامع عمومیشان در آن روزها گفتند: "این اولین بار است در تاریخ کردستان صحبت از کارگر میشود." آن وقت در خود جبهه ناسیونالیستها متشکل از اتحادیه میهنی و پارتی و همپیمانان (بهره)، از رهبری تا نیروهای مسلحشان (پیشمرگان) گفته میشد: "بحث

به یاد شوراهای مارس ۹۱ کردستان عراق

کارگر و شورا چیز تازه‌ایست و ما پیشینی نکرده بودیم." در جلسه هیئتی از (بهره) با نمایندگان شوراهای رسماً گفتند: "حالا وقت صحبت از کارگر نیست. مساله حالا ملی و کوردایتی است." احزاب ناسیونالیست پس از سرکوب شوراهای گفتند، آنها شورا نبودند، جماعتی بودند و تمام شدند. جلال طالبانی گفت: "شورا هیچی نبود، دست نشاندۀ منصور حکمت بود." و یا هر سال در کردستان، خیزش مردم را یادآوری میکنند بدون اینکه نامی از شورا ببرند. اینها با انکار شورا هم تاریخ را تحریف میکنند و هم ترسشان را از اراده مردم و دخالت در سیاست و قدرت نشان میدهند.

روزهای مارس ۹۱ مجامع عمومی صدها و هزاران نفره در کارگاه و محلات تشکیل میشد. میتینگ توده‌ای ۱۶ مارس ۹۱ به فراخوان شوراهای صد هزار نفر را در جلو (سرای شهر سلیمانیه جمع کرد. عصر همان روز رادیو اتحادیه میهنی به نام (بهره) اعلام کرد که مردم حق ندارند با شوراهای ارتباط بگیرند، شورا منحل شده و به جای آن انجمن ملی تشکیل میشود. اگر شورا نیرو نبود، تهدید مردم که به شوراهای نپیوندند برای چه بود؟

همزمان با جلسه مذاکره نمایندگان شورا با (بهره) به تقاضای خود (بهره)، شوراهای کارگران شهرداری، کارخانه سیگار و البسه و شورای محله "زرگته" برای پشتیبانی از نمایندگان شوراهای راهپیمایی کردند و جلو "سرا" جمع شدند. بر پلاکاردهای شوراهای نوشته شده بود: "قدرت به شوراها"، "شورا، شورای مردم است." "قطع کارگر میتواند دنیای نو بنیاد دهد." در کرکوک شوراهای گفتند هیچ وقت نمیکارند (بهره) خودش را تحمیل کند. همه اینها نشان میدهند که انکار شورا از طرف احزاب ناسیونالیست چقدر پوچ و مسخره بود.

حتی احزاب متشکل در (بهره) در رقابت با همدیگر و در مقابل شورا مواضع متفاوتی داشتند. پارتی اعلام کرد که با شورا دشمنی نمیکند. پارتی در آن زمان به اندازه اتحادیه میهنی ترس از قدرت شوراهای را احساس نکرد بود.

درگیر رژیم زایل شد. آنچه که برای مردم بجان آمده باقی مانده است این است که بر بستر ستروان بودن جبهه دوم خرداد حکومتی و اپوزیسیونی این جبهه از کمترین انتقاد حتی لیبرالی به مبانی اسلام سیاسی و حکومت

پیام ۰۰۰
در نتیجه سال گذشته، سال ما جبهه حق طلب و آزادیخواه و نیروی چپ جامعه در مقابله با جمهوری اسلامی بود. این دستاورد بزرگیست. دستاورد بزرگیست برای ادامه مبارزه‌مان در سال آینده و بعدتر. مثل آن ضرب‌المثل معروف که میگویی "سال نو از بهار آن پیاداست." مثل اینکه چهارشنبه سوری و نوروز امسال نشان دهنده آنست که سال ۱۳۸۰ سال به میدان آمدن مبارزه همه جانبه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی خواهد بود. آستین‌ها را بالا بزنیم و جمهوری اسلامی را به گور بسپاریم.

مردم آزادیخواه، کارگران، زنان، جوانان
می‌بینیم که جمهوری بسیار ضعیف شده و پایان حاکمیتش بر پیشانی‌ش حک شده است. اما برای سرنگونی این رژیم لازمست جنبش رادیکال و قدرتمند پا به عرصه بگذارد و نه تنها سرنگونی این رژیم، بلکه بنیاد گذاشتن حکومت آزاد و برابر و مملو از رفاه از ممکن سازد. در حکومتی که ما برای آن میکوشیم، از فقر و بیکاری خبری نیست. زندگی همه تامین است. دکتر و درمان و مدرسه و دانشگاه و مسکن مثل حق طبیعی هر کس تامین و مجانی است. حرمت و شخصیت هر کس محفوظ و آزادی بی‌قید و شرط سیاسی فراهم و از زندان و شکنجه خبری نیست. حکم اعدام لغو و از اعدام هیچ کسی خبری نیست. زن و مرد تماماً برابرند. از حجاب و پوشش اسلامی و فشار علیه زنان خبری نیست. شادی و خوشی از زندگی قابل تفکیک نیست و امکانات زندگی شاد و آزاد برای همه تامین است. نسل جوان در فضایی شاد، خلاقیتش بکار میفتد و پرورش مییابد. به اعتیاد و مواد مخدر و تن فروشی پایان داده میشود. حقوق کودکان تامین و محفوظ است. خلاصه از هر نوع ظلم و ستم طبقاتی و جنسی و ملی و استثمار کارگران، زنان و دیگر استثمار شونده‌گان خبری نیست. جمهوری سوسیالیستی آن حکومتی است که به بهترین وجه اینها را تامین میکند. حزب کمونیست کارگری برای سازماندهی و بنیاد نهادن چنین حکومتی، همچنانکه شاهدید میکوشد.

تحوالات کنونی ایران، فرصت تاریخی را ایجاد نموده که یک بار برای همیشه، به نیروی طبقه کارگر، به نیروی جنبش زنان و

مردان و جوانان آزاده، چنان جنبش گسترده رادیکال پا به عرصه بگذارد که سرنگونی جمهوری اسلامی اولین گام آن و بر ویرانه آن جمهوری سوسیالیستی را بنیاد نهد.

مردم آزاده، کارگران، زنان، جوانان
تغییر و تحول اساسی در ایران در راه است. فروپاشی جمهوری اسلامی قطعی و حرفی در آن نیست. اگر جنبش آزادیخواهانه ما، صف خود را منسجم نکند. اتحاد و همبستگی لازم را ایجاد نکند. تشکلهای کارگری و توده‌ای خود را ایجاد نکند، و مهمتر از هر چیزی حول برنامه و سیاست روشن و حزبی روشن بین متشکل نشود، این نگرانی وجود دارد که نیروی ارتجاعی و بورژوازی در نتیجه مبارزه حق طلبانه توده مردم به قدرت برسند و دوران دیگری از سیه روزی و مصائب و استبداد را بر جامعه حاکم کنند.

اما مسئله مهم اینست که این بار این امکان هست که نگذاریم چنین شود. این بار چنین برنامه و سیاست و حزبی در ایران و کردستان در صحنه حضور دارد. برنامه "دنیای بهتر" حزب کمونیست کارگری چنین برنامه و حزب حاضر در صحنه است. بگذارید دست در دست هم حول برنامه و سیاست کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری متحد شویم. این ضامن مهم پیروزی ماست.

رفقا و دوستان کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری

مبارزه کارگران و توده مردم گسترش یافته و تازه سرآغاز گسترش قدرتمند آنست. به میدان کشاندن این مبارزه و توده مردم حول مطالبات و سیاست برحق و انسانی وظیفه ماست. در صف این مبارزه توده‌ای و پیشاپیش آن برای نیرومند کردن آن با تمام توان باید بکوشیم. در راستای این وظیفه تاریخی و حساس شما متکی به خط مشی کمونیسم کارگری و حزبی هستید که ایجاد "دنیای بهتر" برای انسانها سرلوحه همه سیاست و پراتیک آنست. آگاه و استوار و با تلاش و فعالیت مستمر، راه پیروزی جنبش حق‌طلبانه مردم را نشان دهیم. دست در دست هم به پیش. دست خسته از کار و فعالیت تانکونیستان را میفشارم. در خاتمه و خطاب به همه مردم آزاده تکرار میکنم.

نوروزتان پیروز و هر روزتان نوروز
متن کردی این پیام روز ۲۸ اسفند از رادیو انترناسیونال پخش شد

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۰۰۴۶ ۷۳۹ ۸۵۵ ۸۳۷
Email: r_hoseinzadeh@yahoo.com
Fax: 0044 870 133 7209

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!